یادداشت روز

لغو تحریم‌ها چه شد؟

نقطه‌های خیالی عنوان طرحی بود که ۹ بهمن ۱۳۹۳ پایگاه حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری منتشر کرد. طرحی که با تصویر قدم زدن خارج از چهارچوب مذاکرات محمدجواد ظریف با جان کری وزیر خارجه وقت آمریکا در ۲۴ دی ۱۳۹۳ در خیابان‌های لوزان سوئیس ساخته شده بود. این طرح واکنشی به اقدام غیرموجه آقای ظریف آن هم درست یک هفته پس از سخنان صریح رهبر انقلاب در نفی دل سپردن به مذاکرات و اعتماد به آمریکا بود: «دستگاه استکبار، دستگاه ترحّم و انصاف و انسانیّت و ملاحظه که نیست؛ هرچه شما عقب بروید، آنها جلو می‌آیند. فکر اساسی بکنید. فکر اساسی این است که کاری کنید که کشور از اَخم دشمن ضربه نبیند، از تحریم دشمن لطمه نخورد؛ و راه‌هایی هست، کارهایی هست که می‌شود کرد؛ بعضی را هم کرده‌اند و موفّق بوده است و جواب داده است؛ می‌شود کارهایی کرد؛ می‌شود این حربه را از دست دشمن گرفت، والا اگر چنانچه چشم ما به دست دشمن باشد که «آقا، اگر این‌کار را نکردی تحریم باقی می‌ماند» [فایده‌ای ندارد].» رهبر انقلاب از اظهارات گستاخانه مقامات آمریکایی برای حفظ تحریم‌ها علی‌رغم مذاکرات و در نتیجه عدم اعتماد و اطمینان به آمریکا گفتند و از مسئولان خواستند به مذاکرات دل نبندند: «من معتقدم باید دل را به نقطه‌های امیدبخش حقیقی سپرد، نه به نقطه‌های خیالی... نه به نقطه‌های خیالی! آنچه لازم است این است.»

در دولت آقای روحانی اما دل سپردن به «نقطه‌های خیالی» روایت هر روزه آن ایام بود. آنها مذاکرات را با هدف «لغو تحریم‌ها» آغاز کردند اما در پایان فعالیت‌شان، علی‌رغم تعطیلی و محدودسازی بی‌سابقه صنعت هسته‌ای، تحریم‌های ایران بیش از دو برابر شد تا جایی که محمدجواد ظریف که قرار بود با مذاکره تحریم‌ها را بردارد؛ خودش هم تحریم شد و با دست خالی برگشت! حسن روحانی و دولتمردانش پس از این کارنامه ناموفق به سراغ «نقطه‌های خیالی» دیگری رفتند. آنها با کتمان و حتی انکار کردن هدف مذاکرات به سراغ ساخت و ساز اهداف و دستاوردهای خیالی برای مذاکرات منتهی به برجام رفتند.

آنها در سخنرانی‌های مختلف مواردی مثل «رسوایی آمریکا با برجام» و «شکاف میان اروپا و آمریکا با برجام» را از دستاوردهای برجام لقب دادند. اهدافی که پیشتر هرگز برای مذاکرات هسته‌ای اعلام نشده بودند. دل بستن به این «نقاط خیالی» آن‌قدر ادامه داشت که دوم خرداد ۱۳۹۷ به سخنرانی حسن روحانی در محضر رهبر انقلاب رسید تا با این تذکر مقام معظم رهبری مواجه شود: «[اگر] به چیزهای کم‌اهمّیّت دلمان را خوش کردیم [ضرر می‌کنیم]. همین‌طور که آقای رئیس‌جمهور گفتند واقعاً آمریکایی‌ها در این قضیّه از لحاظ اخلاقی، از لحاظ حقوقی، از لحاظ آبروی سیاسی در دنیا شکست خوردند؛ خُب بله، آمریکا بی‌آبرو شد؛ این یک واقعیّتی است و در این تردیدی نیست امّا من می‌خواهم این را مطرح کنم که آیا ما مذاکره را شروع کردیم برای اینکه آمریکا بی‌آبرو بشود؟ هدف مذاکره ما این بود؟ ما مذاکره را شروع کردیم برای اینکه تحریم‌ها برداشته بشود -و شما ملاحظه می‌کنید که بسیاری از تحریم‌ها برداشته نشده...- یا گفته می‌شود مثلا بین اروپا و آمریکا شکاف به وجود آمد؛ خب بله، ممکن است یک شکاف ظاهری کم‌اهمّیّتی هم بینشان اَبه وجود آمده]، لکن ما برای این مذاکره نکردیم. ما مگر مذاکره کردیم که بین آمریکا و اروپا شکراب به وجود بیاید؟ ما مذاکره کردیم که تحریم برطرف بشود؛ شروع مذاکره برای این بود، ادامه مذاکره برای این بود؛ و این باید تأمین بشود؛ اگر این تأمین نشد، بقیّه چیزهایی که حاصل شده، ارزش زیادی را نخواهد داشت.»

«نقطه‌های خیالی» همچنان روایت این روزها هم هست. دولت مسعود پزشکیان بدون توجه به تجربه تلخ دولت حسن روحانی کمابیش همان مسیر را پیش گرفته است. این بار دولت ایران حتی بدون در نظر گرفتن مطالبات بر زمین مانده‌اش از آمریکا راضی به نشستن پای میز مذاکرات غیرمستقیم شد که به منزله اعطای امتیازی رایگان به طرف مقابل بود. با این حال هدف پذیرش این مذاکرات نامطلوب از همان ابتدا مشخص بود: «لغو تحریم‌ها».

این روزها اما از تنها چیزی که سخن به میان نمی‌آید «لغو تحریم‌ها» است! «لغو تحریم‌ها» تنها دلیل خطرپذیری و مصلحت‌سنجی ایران برای تن دادن به خواسته دولت چهاردهم در پیشبرد مذاکرات بود اما دیپلمات‌های دولت چهاردهم آن‌قدر که در ۵ دور مذاکره غیرمستقیم با آمریکا درباره اعتمادسازی و محدودسازی برنامه هسته‌ای ایران سخن گفتند از چند و چون لغو تحریم‌ها توسط آمریکا سخن به میان نیاوردند.

اگر فقط تحریم‌های آمریکا بر شبکه فروش نفت ایران را به عنوان اصلی‌ترین تحریم‌ها حساب کنیم؛ از زمان شروع به کار دولت چهاردهم با رویکرد «مذاکره برای لغو تحریم» تا آغاز دور اول مذاکرات غیرمستقیم با آمریکا در ۲۳ فروردین ۱۴۰۴ (۱۲آوریل ۲۰۲۵) در مسقط، دست‌کم ۲۱۴ تحریم بر شبکه فروش نفت ایران اعمال شد. پنج روز پس از دور اول مذاکرات، آمریکا ۱۲ تحریم دیگر نیز بر شبکه فروش نفت ایران اعمال کرد و دور دوم مذاکرات سه روز بعد در ۳۰ فروردین ۱۴۰۴ (۱۹آوریل ۲۰۲۵) در رم برگزار شد. سه روز پس از دور دوم مذاکرات، آمریکا ۱۵ تحریم دیگر هم اضافه کرد، با این وجود ایران پذیرفت که دور سوم مذاکرات را در ۶ اردیبهشت (۲۶آوریل ۲۰۲۵) در مسقط برگزار کند. پس از دور سوم مذاکرات، آمریکا ۲۸ تحریم جدید دیگر نیز علیه ایران اعمال کرد و با این حال دور چهارم مذاکرات ۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۴ (۱۱ می ۲۰۲۵) در مسقط ادامه یافت. دو روز پس از این دور از مذاکرات نیز آمریکا طبق روال همیشگی‌اش و در انفعال ملال‌آور دولت چهاردهم ۱۸ تحریم دیگر نیز بر شبکه فروش نفت ایران اضافه کرد. دولت چهاردهم اما باز هم پذیرفت که دور پنجم مذاکرات را ۲ خرداد ۱۴۰۴ (۲۳ می ۲۰۲۵) در رم برگزار کند. دو هفته بعد در ۱۶ خرداد (۶ ژوئن ۲۰۲۵) آمریکا ۲۶ تحریم دیگر نیز علیه ایران اعمال کرد ولی دولت چهاردهم قرار دور ششم مذاکرات را هم در ۲۵ خرداد (۱۵ ژوئن ۲۰۲۵) گذاشت. این فقط جنگ و حمله به ایران بود که باعث شد دولتمردان چهاردهم از مذاکره منصرف شوند و البته با پایان جنگ ۱۲ روزه و شهادت فرماندهان ارشد نظامی، دانشمندان برجسته هسته‌ای و نزدیک به ۱۰۰۰ غیرنظامی و تخریب بخشی از تأسیسات نظامی و هسته‌ای، آنها یک بار دیگر بدون اینکه حتی از لزوم پرداخت غرامت جنگ تحمیل شده به ایران سخن بگویند، دوان دوان به دنبال مذاکره با آمریکا افتاده‌اند.

مذاکراتی که قرار بود در دولت چهاردهم برای «لغو تحریم‌ها» انجام شود پس از ۵ دور، ۳۱۳ تحریم جدید طی ۱۱ بسته تحریمی فقط برای شبکه فروش نفت ایران به ارمغان آورد. یعنی آمریکا به ازای هر دور مذاکره دو بسته تحریمی جدید علیه ایران اعمال کرد و در نهایت نیز به ایران حمله کرد. حالا دولتمردان چهاردهم بدون آنکه از هدف‌شان برای «لغو تحریم با مذاکره» سخنی به میان بیاورند برای ما از اختلاف‌افکنی بین ترامپ و نتانیاهو با مذاکره سخن می‌گویند! آیا هدف مذاکراتی که با چشم پوشیدن بر خون‌بهای حاج قاسم سلیمانی و صرف‌نظر کردن از طلب‌های خسارت برجام آغاز شد، شکاف بین آمریکا و اسرائیل بود؟ این یکی دیگر از همان «نقطه‌های خیالی» است که رهبر انقلاب ۱۰ سال پیش مسئولان را از دل سپردن به آن نهی کردند. در این زمینه نیز دولت چهاردهم کاملا به دولت حسن روحانی اقتدا کرده و مشغول ساخت و ساز اهداف و دستاوردهای خیالی است.

حتی اگر بی‌صداقتی دولت چهاردهم در مسکوت گذاشتن هدف «لغو تحریم‌ها» و جایگزینی آن با «ایجاد شکاف میان آمریکا و اسرائیل» برای مذاکرات را نادیده بگیریم. آنها در این هدف خیالی هم شکست خورده‌اند. حمله مشترک آمریکا و اسرائیل به ایران بزرگ‌ترین شاهد این مدعاست. «پیت هگست» وزیر جنگ آمریکا در دیدار با نتانیاهو توضیح داد که حتی پیش از حمله مستقیم آمریکا، هواپیماهای سوخت‌رسان آمریکایی چگونه از اولین روز جنگ برای پشتیبانی از جنگنده‌های اسرائیل در حمله به ایران وارد عمل شدند. «بسرائیل کاتس» وزیر جنگ رژیم صهیونیستی به روزنامه جروزالم پست گفت که ۱۷آوریل ۲۰۲۵ (۲۸ فروردین ۱۴۰۴) یعنی ۵ روز پس از دور اول مذاکرات ایران و آمریکا با پیش‌بینی کمک واشنگتن در اجزای حیاتی عملیات علیه ایران، به ارتش دستور آماده‌باش داد. طبق سخنان او ۱۰ روز بعد در ۲۷آوریل (۷ اردیبهشت ۱۴۰۴) یعنی یک روز پس از دور سوم مذاکرات ایران و آمریکا، آنها فرماندهی سنتکام را در جریان حمله به ایران قرار دادند. ۲۲ می(۲ خرداد ۱۴۰۴) یک روز قبل از دور پنجم مذاکرات ایران و آمریکا؛ اسرائیل و آمریکا مانورهای نظامی مشترک برای حمله به ایران را نیز برگزار کرده بودند. آن‌طور که روزنامه آمریکایی وال‌استریت‌ژورنال فاش کرد مسئولان آمریکایی و اسرائیلی عمداً خبرهایی را در رسانه‌ها منتشر کردند تا به نظر برسد اختلافات زیادی بین ترامپ و نتانیاهو بر سر ایران وجود دارد؛ اما در واقعیت، رئیس‌جمهور آمریکا درست همان زمانی که در پست‌های شبکه اجتماعی خود از دیپلماسی حرف می‌زد؛ از حملات اسرائیل باخبر بوده است. نتانیاهو در پایان سفر اخیر خود به آمریکا نیز با تمجید از ترامپ به شبکه نیوزمکس گفت: «ما هرگز در تاریخ دوستی و حامی‌ای مانند رئیس‌جمهور ترامپ، برای اسرائیل و دولت یهود در کاخ سفید نداشته‌ایم.» ایجاد شکاف میان آمریکا و اسرائیل با سخنان آقای پزشکیان و کنش‌های دیپلماتیک دولت چهاردهم همانقدر واقعی و قابل اعتناست که ادعای دولتمردان روحانی در ایجاد شکاف میان اروپا و آمریکا واقعی و قابل اعتنا بود. با این حساب دولتمردان چهاردهم حتی در خیالبافی هم انسان‌های موفقی نیستند؛ اگرچه هزینه این خیالبافی را ایران و ایرانی پرداخت می‌کند.

سید محمدعماد اعرابی

کدخدایی:

آژانس در قبال ایران از انجام وظایف بی‌طرفانه و حرفه‌ای عدول کرد

رئیس پژوهشکده شورای نگهبان تاکید کرد: آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قبال جمهوری اسلامی ایران از انجام بی‌طرفانه و حرفه‌ای وظایف خود عدول کرده و به‌جای تمرکز بر راستی‌آزمایی مستند، عینی و فنی، در مواردی تحت تأثیر ادعاهای بی‌پایه و مغرضانه رژیم صهیونیستی به موضوعاتی پرداخته است.

عباسعلی کدخدایی، رئیس پژوهشکده شورای نگهبان و استاد دانشگاه تهران با نگارش یادداشتی که در خبرگزاری اسپوتنیک منتشر شده است، به شرحی که در ادامه می‌خوانید به تبیین مبانی حقوقی حق مشروع ایران برای تعلیق اجرای تعهدات خود در قبال آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پرداخت.

در متن این یادداشت آمده است:

در نظام حقوق بین‌الملل معاهدات و تعهدات بین‌المللی دولت‌ها بر مبنای قاعده وفای به عهد قابل اجرا خواهد بود که در این میان توازن میان این تعهدات و مسئولیت‌ها، شرط اساسی بقای مشروعیت و کارآمدی هر رژیم حقوقی محسوب می‌شود. رژیم منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای به‌عنوان یکی از مهم‌ترین چارچوب‌های چندجانبه بین‌المللی در عرصه استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، با هدف تضمین امنیت جمعی و ارتقای همکاری‌های علمی و فناورانه شکل گرفت که لازمه تحقق اهداف آن، پایبندی متقابل و اجرای بی‌طرفانه مفاد آن توسط تمامی بازیگران، به‌ویژه نهاد ناظر آن یعنی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بود.

با این حال، نقض مکرر تعهدات بین‌المللی از سوی دولتی چون آمریکا با تجاوز غیرقانونی علیه تأسیسات صلح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران و در کنار آن قصور و انفعال آژانس در ایفای وظایف اساسنامه‌ای و پادمانی خود، ضمن تضعیف اصول بنیادین رژیم منع اشاعه، حقوق مشروع و ذاتی جمهوری اسلامی ایران را نیز با چالش‌های جدی مواجه ساخته است؛ مسئله‌ای که مستند به قواعد عام حقوق بین‌الملل، مستوجب بازنگری در نحوه عملکرد ایران نسبت به تعهدات خود و توسل به سازوکارهای قانونی برای صیانت از حاکمیت و منافع ملی خواهد بود.

بدین واسطه در حقوق بین‌الملل معاهدات به‌صراحت شرایطی مقرر شده است که در چارچوب آن هر یک از طرفین می‌توانند در واکنش به نقض اساسی تعهدات از سوی طرف دیگر، اجرای تمام یا بخشی از تعهدات خود را به حالت تعلیق درآورند که این تعلیق به واسطه «نقض اساسی» تعهدات توسط طرف مقابل رخ می‌دهد.

نقض مذکور حقی قانونی برای طرف متضرر ایجاد می‌کند تا بتواند با استناد به قاعده‌ای پذیرفته‌شده در حقوق بین‌الملل، از اجرای تعهدات خود خودداری ورزد، چرا که در چنین شرایطی، طرفی که تعهدات خود را نقض کرده است نباید انتظار داشته باشد که دیگر طرف‌ها همچنان به تعهدات کامل خود پایبند باقی بمانند.

حال در چارچوب رژیم منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای، جمهوری اسلامی ایران به عنوان دولتی متعهد، همواره بر اصول همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برای راستی‌آزمایی ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود پایبند بوده و در این مسیر تعهدات بین‌المللی خود را نیز فراتر از الزامات رژیم منع اشاعه پذیرفته و اجرا کرده است.

با این وجود، نقض مکرر تعهدات از سوی آمریکا و دولت‌های غربی، همراه با قصور و کوتاهی آژانس در ایفای بی‌طرفانه وظایف نظارتی خود شرایطی را پدید آورده است که در پرتو آن جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با استناد به اصول و قواعد پذیرفته‌شده بین‌المللی، اجرای بخشی از تعهدات خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به حالت تعلیق درآورد. چنین اقدامی، واکنشی مشروع در برابر نقض اساسی تعهدات از سوی سایر طرف‌ها است که جمهوری اسلامی ایران را در مقام استیفای حقوق خود قرار می‌دهد.

ماده ۳ اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی این نهاد را موظف می‌دارد تا فعالیت‌های خود را به‌گونه‌ای سامان دهد که از توسعه و استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای حمایت نموده و در اجرای وظایف نظارتی و راستی‌آزمایی، از هرگونه تبعیض، جانبداری یا سیاسی‌کاری پرهیز کند. مفاد این اساسنامه به‌صراحت آژانس را مکلف می‌سازد که با تسهیل همکاری‌های بین‌المللی، موجبات بهره‌مندی مشروع و برابر کشورها از انرژی هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز را فراهم آورد.

همزمان ماده ۴ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بر حق مسلم کشورهای عضو برای دسترسی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای تأکید می‌ورزد و نقش آژانس در تضمین تحقق این حق، محوری و انکارناپذیر است.

با وجود این تعهدات صریح و الزام‌آور، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قبال جمهوری اسلامی ایران از انجام بی‌طرفانه و حرفه‌ای وظایف خود عدول کرده و به‌جای تمرکز بر راستی‌آزمایی مستند، عینی و فنی، در مواردی تحت تأثیر ادعاهای بی‌پایه و مغرضانه رژیم صهیونیستی به موضوعاتی پرداخته است که فاقد هرگونه پشتوانه حقوقی یا اعتبار فنی معتبر بوده‌اند.

علاوه بر این، در قبال حملات تجاوزکارانه به تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای ایران که نقض آشکار اصول منشور ملل متحد، قطعنامه‌های شورای امنیت و مصوبات کنفرانس عمومی آژانس بوده است، هیچ اقدام مؤثری صورت نداد و در برخی موارد، سکوت، بی‌عملی و حتی همسویی غیرموجه با دولت‌های متجاوز، نقض صریح وظایف اساسنامه‌ای و پادمانی این نهاد بین‌المللی را رقم زد.

این تجاوزات و نقض‌ها، با توجه به آثار عمیق و بنیادینی که بر هدف و موضوع رژیم عدم اشاعه، یعنی تضمین استفاده صرفاً صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای، برجای می‌گذارند از منظر حقوق بین‌الملل معاهدات، به عنوان «نقض ماهوی» قابل شناسایی و استناد خواهند بود.

از این رو جمهوری اسلامی ایران، از حق مشروع خود برای تعلیق اجرای تعهدات خود در قبال آژانس بین‌المللی انرژی اتمی برخوردار است تا با بهره‌گیری از این حق، واکنشی قانونی و توجیه‌پذیر در قبال نقض‌های ماهوی انجام شده، منطبق با موازین بین‌المللی ترتیب دهد.

این اقدام پاسخی متناسب به تخلفات مکرر برخی دولت‌ها و ناکامی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در انجام وظایف حرفه‌ای، بی‌طرفانه و مبتنی بر اساسنامه آن است که به‌طور مستقیم توازن حقوق و تعهدات رژیم منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای را مختل کرده و حق واکنش متقابل را برای ایران محفوظ می‌دارد.

جمهوری اسلامی ایران در جهت صیانت از منافع ملی، حراست از حاکمیت خود و حفظ یکپارچگی رژیم منع اشاعه، این تعلیق را در قالب اقدامی متقابل و متناسب اتخاذ کرده و بر آن است تا از ابزارهای مشروع بین‌المللی برای احقاق حقوق خود تا هنگام تضمین منافع ملی خود بهره گیرد.

گفت و شنود

کاسه‌لیس!

گفت: یکی از داوران فوتبال که به استرالیا پناهنده شده و تابعیت آن کشور را گرفته است، در پایان یک مسابقه فوتبال در نیوجرسی آمریکا از ترامپ جایزه گرفت و در اوج بی‌هویتی و وطن‌فروشی از قاتل بیش از هزار تن از مردم بی‌گناه ایران تقدیر کرد!

گفتم: مرد حسابی! آخه این هم شد خبر؟! پشه خودش چی هست که فشار خونش باشه؟! ماجرای این بدبخت کاسه‌لیس چه اهمیتی دارد که با نقل آن وقت تلف می‌کنی؟!

گفت: ای عوام! اهمیت ماجرا به این است که در همان مراسم که به خاطر حضور ترامپ شدیداً تحت مراقبت بود، جمع انبوهی از تماشاگران پرچم ایران و فلسطین را برافراشته و علیه آمریکا و رژیم صهیونیستی شعار داده‌اند.

گفتم: ایول! درد و بلای آن تماشاگرها بخوره توی سر ترامپ!

گفت: حالا ببین اون وطن‌فروشه چه حالی داشته؟!

گفتم: یارو که خیلی آمریکادوست بود میهمان یک آمریکایی شد و برای اینکه مطابق میل او عمل کنه قرار گذاشت در غذا خوردن از او تقلید کنه. آمریکاییه یک بشقاب برداشت و کمی آب ریخت و یک بیسکویت در آن حل کرد. یارو هم همان کار را کرد. آمریکاییه سگش را صدا کرد و بشقاب را جلوی سگش گذاشت! و...

دست‌نوشته سردار رشید یک هفته قبل از شهادت

سرلشکر شهید رشید حدود یک هفته پیش از شهادت، بی‌قراری خود برای شهادت را به وسیله کلماتی جاودانه روی کاغذ آورد.

سردار سرلشکر شهید رشید، مغز متفکر نظامی ایران که در جنایات رژیم جعلی و موقت صهیونیستی به آرزوی شهادت رسید، یک هفته پیش از شهادت، تمنا و بی‌قراری خود برای شهادت را به وسیله کلماتی جاودانه روی کاغذ آورد.

به گزارش تسنیم، دستنوشته سردار رشید به شرح زیر است:

ذکر خفی ما شده است اناللّه و اناالیه راجعون!...فراوان...! خوشبحال شهدا!!

خداکند جان این حقیر گرفته شود

بدست مبارک حضرت عزرائیل...

هرگز فکر نمی‌کردم این‌قدر زنده بمانم! در آستانه هفتاد و دو سالگی‌ام!

قبل از انقلاب تصور ما این بود که قبل از ۳۰ سالگی شهید می‌شویم

در جنگ به‌گونه‌ای دیگر

در طی این ۳۷ سال پس از جنگ، انبوه کارهای ستادی و قرارگاهی در این سطح (سطح راهبردی و عملیاتی) یک روز ما را رها نکرده است.

هر روزِ این سال‌ها حقیقتاً هفته‌ای به لحاظ زمانی بر ما می‌گذرد و روز که تمام می‌شود، از غروب آن، به فکر ادامه کار در فردای آن می‌شویم.

حضورم در منزل گاه در حد یک ساعت، گاه کمی بیشتر، قبل از نماز مغرب و عشا است. (برای شام) والسلام

و به خانواده و عباس آقا می‌گویم، فکر کنید جانباز قطع نخاعی‌ام و مثل آدم‌های متعارف نمی‌توانم وقت بگذارم، حتی نیم ساعت همکلام شدن...!

نمی‌دانیم سرِّ باقی ماندنمان در این دنیا در دهه سبعین چیست؟

دلم می‌خواهد به آن فرشته و ملکی که هر شب فرود می‌آید و صدا می‌زند: (به فرمایش رسول خدا (ص))

«یا ابنا السّبعین نودی لَکم فَاجیبوا»

بگویم: بابا! ما هنوز هم به لحاظ شرایط کاری در ردیف «ابناء العشرین! هستیم که صدا می‌زنید: «جِدّوا و اجتهدوا...!»

در حالی که جسم ما از «ابناء الستین!» که فرشته صدا می‌زند: «زرع ان حَصادُه» گذشته است.

(شما مانند زراعت و کِشتی هستید که درو کردنش نزدیک شده است!)

ذکر خفی ما شده است؛ انا للّه و انا الیه راجعون...! فراوان... خوشبحال شهدا!

برادر شما: رشید
۱۴۰۴/۳/۱۵

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* این سخن از امام خمینی(ره) است که به اهمیت مقابله با دشمنان و عدم غفلت از آن‌ها اشاره دارد. ایشان می‌فرمایند: (اگر دشمنان را لحظه‌ای آرام بگذارید، آن‌ها شما را آرام نخواهند گذاشت.) این سخن به این معناست که دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی همواره در حال توطئه و تلاش برای ضربه زدن به نظام اسلامی هستند و نباید به آنها فرصت داد تا در غفلت ما، اهداف شوم خود را عملی کنند.

رعنایی

* از توابین آموختیم که باید زمان‌شناس باشیم وگرنه اعمال‌مان حبط می‌شود و در تاریخ فراموش خواهیم شد. بنابراین باید با شاخص ولایت خود را تنظیم کنیم و الا در سپاه یزید قرار خواهیم گرفت.

اولیایی

* از ولایتمداران و حسینیان انتظار می‌رود به این توصیه رهبر عزیز امام خامنه‌ای عمل کنیم که فرمودند؛ «هر روز حتماً قرآن بخوانید. در دنیای اسلام هیچ کس نباید پیدا بشود که یک روز بر او بگذرد و آیاتی از قرآن را تلاوت نکند.»

ملاشریفی

* راز زیمت پژوهشگر و کارشناس صهیونی در حوزه ایران‌شناسی و مسائل راهبردی اذعان کرد؛ ایران با اتکا به نمادهای ملی همچون سرود «ای ایران» و حضور چشمگیر رهبر انقلاب در میان مردم، توانسته موجی از همبستگی و حمایت مردمی ایجاد کند، موضوعی که اسرائیل را به شدت نگران کرده است! با این حساب، بر ما واجب است آنچه که دشمنانمان را نگران می‌کند ما بر آن مدار و حول آن حرکت نماییم.

بازگیر

* حسین راغفر از اساتید اصلاح‌طلب دانشگاه در واکنش به نامه ۱۸۰نفر مثلا اقتصاددان کشور که خواستار تسلیم در مقابل آمریکا شده‌اند،گفته این افراد همان کسانی هستند که مسئول اصلی فقر و نابرابری بوده و زمینه‌چینی حملات صهیونیست‌ها را فراهم کرده‌اند. اما امروز نامه نوشته و طلبکار شده‌اند. در همراهی با این استاد آزاده و با انصاف دانشگاه عرض می‌کنم این ۱۸۰ نفر به خیال خودشان خواسته‌اند زرنگی بکنند یعنی دست پیش گرفته‌اند که پس نیفتند.

عباچی

* به سه کشور اروپایی باید تفهیم کرد چنانچه در مسیر فعال‌سازی مکانیسم ماشه گام بردارند، از منظر ایران این اقدامشان معادل حمله‌ای نظامی علیه ساختار امنیت ملی جمهوری اسلامی تلقی شده در نتیجه به‌طور طبیعی پیامدهای غیرقابل بازگشتی برای آنان خواهد داشت.

حشمت‌زاده

*یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت و پیروزی ملت ایران که شکست را به دشمن صهیونی و حامیان غربی‌شان تحمیل کرد، همدلی، وحدت و انسجام ملت ایران بود. جنگ نه‌تنها ملت ایران را از هم نگسست، بلکه موجب اتحاد حداکثری آنان گردید و همین مسئله موجب شد خواب‌های متوهمانه دشمن آشفته گردد.

الیاسی

*دو جریان افراطی از دو سو، به مثابه لبه تیز یک قیچی، در حال خدشه به وحدت و انسجامی هستند که موجب عزت و اقتدار این ملت شده است. یک جریان که به‌ظاهر پرچم انقلابی‌گری و ارزش‌مداری را بالا برده عملکرد مسئولین دیپلماسی کشور را تخریب و کارزار استیضاح و... به راه انداخته است. از سوی دیگر، جریانی مشکوک از ورشکستگان سیاسی فعال شده‌اند تا با عقده‌گشایی، نظم اجتماعی ایجادشده را بر هم زده و بسترساز حمله مجدد دشمن به این سرزمین گردند. در این میان آنچه می‌تواند مانع از تضعیف مهم‌ترین قدرت ملی این سرزمین حول محور رهبری شود هوشیاری و بصیرت ملت ایران است.

میکائیلی

*درحالی‌که جنگ نظامی ایران و رژیم صهیونیستی تنها ۱۲ روز به‌طول انجامید، ولی رسانه‌های دشمن چون ایران اینترنشنال، با ترکیب تکنیک‌های عملیات روانی، انتشار اطلاعات ناقص یا تحریف‌شده، و بهره‌گیری از کارشناسان جهت‌دار، القای ناامیدی، بی‌ثباتی، تفرقه قومی و فرقه‌ای، و بی‌اعتمادی به ساختار سیاسی و امنیتی کشورمان را در دستور کار قرار داده‌اند. پس نتیجه می‌گیریم جنگ‌های جدید جنگ‌هایی هستند که نه با موشک و تانک، بلکه با دوربین و میکروفن هدایت می‌شوند و جبهه آن‌ها، ذهن و روان مردم است.

پورپاشا

*ترور روانی جامعه توسط رسانه‌های معاند، اگرچه بی‌صداست، اما خسارات آن می‌تواند به‌مراتب بیشتر از جنگ‌های فیزیکی باشد. در این میان، هوشیاری نخبگان، مسئولان، و شهروندان برای مقابله با این نوع جنگ، ضروری است. فلذا برای تقویت سپرهای روانی، سواد رسانه‌ای و توان تحلیل محتوای خبری باید کار کرد.

بلندپایه

*خبر خوب این که یکی از شرکت‌های دانش‌بنیان ایرانی به نام شرکت بصام موفق به طراحی و ساخت نخستین سخت‌افزار بومی پردازشگر هوش مصنوعی در کشور شد. این شرکت پس از سال‌ها تحقیق و توسعه، سخت‌افزاری با توان پردازشی حداقل ۲۰ میلیارد عملیات بر ثانیه طراحی کرده است. این حرکت می‌تواند گام مهمی در مسیر خودکفایی فناوری در ایران باشد که جای خوشحالی و قدردانی دارد.

ضیاءبخش

* ملت عزیزمان باید بدانند با وجود جنگ و تحریم، هیچ توقف معناداری در تولید نفت رخ نداده و این موفقیت نتیجه مدیریت هوشمندانه، بهره‌گیری از فناوری بومی و تاب‌آوری نیروهای داخلی است. این که ایران در حال حاضر با افزایش تولید روزانه به ۳ میلیون و ۲۵۷ هزار بشکه، صدر جدول رشد تولید نفت جهان را به خود اختصاص داده، پیام آشکاری به دشمنان اقتصادی است که صنعت نفت کشور فروپاشیدنی نیست.

پورخزری

* وقتی آمریکا از سازمان‌های بین‌المللی خارج می‌شود و بدون توجه به قوانین بین‌المللی تأسیسات هسته‌ای ایران را بمباران می‌کند، معنی آن این است که ستون‌های نظم فعلی جهان فرو ریخته و نظم جدیدی در حال شکل‌گیری است. در این نظم جدید جمهوری اسلامی ایران بسیار تعیین‌کننده خواهد بود. این همان پیچ بزرگ تاریخ است که در حال عبور از آن هستیم.

یعقوبی

* دشمنان در جنگ تحمیلی اخیر انتظار فروشگاه‌های خالی و صف‌های طولانی در ایران را داشتند، اما مشاهده کردیم کالا به وفور در کشور موجود بود و تمام محاسبات دشمنان اشتباه از آب درآمد و نقشه‌هایشان نقش بر آب شد.

سوهانیان

*کسانی که از تجاوز رژیم جعلی دفاع می‌کنند و به خودشان اجازه نمی‌دهند که در محکومیت این رژیم حرفی به زبان بیاورند، خائن و وطن‌فروشند.

عدنانی

* در بحبوحه کمبود شدید نیروی نظامی در اراضی اشغالی، ارتش رژیم صهیونیستی تصمیم گرفت خدمت نظامی هزاران سرباز پیاده‌نظام این رژیم را برای یک سال دیگر تمدید کند. در حال حاضر مدت خدمت نظامی صهیونیست‌ها ۳۲ ماه است، اما بعد از این تمدید به ۴۴ ماه یعنی حدود ۴ سال می‌رسد! با این تقلاها هم جز خسارت چیزی عاید این وحشی‌ها نخواهد شد.

تمجیدی

*در بازطراحی ساختمان شیشه‌ای صداوسیما پس از حمله رژیم صهیونی، پیشنهادم این است که بازسازی این ساختمان، به عنوان نماد حماسه و صدای حقیقت ایران اسلامی با داوری اساتید برجسته معماری و سازه انجام شود.

فرج‌نیا

* میرحسین موسوی که سابقه سیاهی در همراهی آشکار با آمریکا و رژیم صهیونیستی در فتنه۸۸ را در کارنامه خود دارد، با صدور بیانیه‌ای ضمن همراهی با دشمنان نظام بر بیراهه خود تأکید و به خیال خام خود از ضرورت تغییر نظام سخن‌پراکنی می‌کند! زهی خیال باطل. انتظار بود که به علت خلوت ۱۵ساله از مسئولیت متنبه شده و به دامن ملت برگردد ولی گویا شیطان نفس بر او غلبه یافته و همچنان بر پیمودن کژراهه اصرار دارد.

سپهری

* وزیر جهاد کشاورزی،خبر از راه‌اندازی ۵۰۰ روستابازار تا پایان سال داده و گفته هدف این اقدام، کوتاه کردن فاصله مزرعه تا سفره مردم است. امید است با اجرای این طرح، قیمت نهائی برای مردم کاهش یافته و سود واقعی به دست کشاورزان برسد.

دباغ

* افزایش مجدد بلیت‌های قطار تنها با گذشت ۴ ماه از افزایش آن در فروردین، با توجه به تقاضای بیشتر مردم برای استفاده از قطار به دلیل اختلال در پروازهای کشور و تعطیلی تابستانی مدارس و ایام اربعین چه توجیهی دارد؟

پورقاسم

خبر ویژه

فقط می‌دانم که مخالفم!

برخی از غربگرایان در اعتراض به نظر کیهان درباره بی‌اعتبار بودن مکانیسم ماشه واکنشی داشته‌اند که نه فقط از بی‌اطلاعی آنها خبر می‌دهد، بلکه خنده‌دار هم هست. کیهان با استناد به یک اصل شناخته شده در حقوق بین‌الملل نشان داده بود که بعد از خروج آمریکا از برجام، این معاهده از اعتبار افتاده است بنابراین مکانیسم ماشه نیز که برگرفته از برجام است فاقد اعتبار خواهد بود.

یکی از این جماعت گفته است «برخی جریان‌های سیاسی در داخل کشور با بی‌اعتنایی آشکار نسبت به تهدید فعال‌سازی مکانیسم ماشه، آن را کم‌اهمیت جلوه می‌دهند. اما این موضوع، خطری جدی برای معیشت مردم، سرمایه‌گذاری خارجی و آینده تعاملات ایران با جهان خواهد بود» که باید گفت، برخلاف ادعای ایشان، کیهان مکانیسم ماشه را «کم اهمیت»! ندانسته، بلکه آن را غیرقانونی و فاقد اعتبار معرفی کرده است و به همین علت بر بی‌اعتباری آن تاکید کرده و از مسئولان خواسته است این بی‌اعتباری را در مجامع بین‌المللی مطرح کنند. حالا اگر این جماعت برای تحلیل دم‌دستی خود نیاز به تحریف نظر کیهان دارند! لااقل باید بدانند که دیگران هم می‌بینند و می‌خوانند.

و اما، نکته دیگری که جماعت غربگرا درباره آن خود را به فراموشی می‌زنند این که مکانیسم ماشه با نابلدی هم‌حزبی‌های خود آنها در برجام گنجانده شده بود بنابراین اگر آن را خطرناک می‌دانند که خطرناک نیز